

تأملي بر رویکرد لایحه‌ی اصلاح باب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) راجع به جعل و استفاده از سند مجعول

محسن شریفی^۱

چکیده

تازه‌های لایحه‌ی جدید مجازات اسلامی پیرامون جعل و استفاده از سند مجعول درخور و شامل شناسایی نمودهای بیشتری از این جرم و رفتارهای وابسته، گونه‌بندی منطقی بزه کاران حقیقی و حقوقی آن، تبیین دقیق‌تر جعل معنوی، الحاق قلب و تخدیش سکه به حوزه‌ی جعل، یک کاسه کردن احکام ناظر به جعل اسکناس توأم با تغییرهایی و اصلاح کمیت و کیفیت برخی از ضمانت اجراها است. با وجود این، دگرگونی صورت گرفته، به‌تمامی، رفع‌کننده نقص‌های مقررهای پیشین نیست. چه، به‌رغم ضرورت، از جرم‌انگاری برخی اعمال خلاف مصالح عمومی مرتبط با جعل، نظیر حمل و نگهداری اسناد و اشیای مجعول و به‌طور خاص پول و ارز و نیز ساخت، نگهداری و خرید و فروش ادوات مربوط به این اقدام غفلت ورزیده شده است. همچنین، بر مداخله‌ی اشخاص حقوقی در این قلمرو، به‌صورت نارسا و تنها در زمینه‌ی نقض قواعد و اخلاق پژوهش تأکید شده است. آن‌جا که نیز گریزی به جعل معنوی منتسب به پرسنل نهادهای حاکمیتی زده شده است، از مقرر و ضمانت اجرای افتراقی بی‌بهره است. به‌ررویی، این پژوهش که روش توصیفی-تحلیلی را دنبال و در گردآوری اطلاعات از ابزار کتاب‌خانه‌ای بهره جسته است، وجه‌های مثبت و منفی رویکرد لایحه‌ی مزبور را به موقع بحث گذاشته است.

واژگان کلیدی: لایحه‌ی تعزیرات، جعل، گونه‌های جعل، صورت‌بندی جاعلان، ضمانت اجرا

^۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز mohsen.sharifi@shirazu.ac.ir

مقدمه

جعل و دیگر رفتارهای وابسته به آن، در زمره‌ی کنش‌های مخالف مصالح عمومی و پایه‌ی جرم‌انگاری آن‌ها، حمایت از موقعیت‌ها و رابطه‌های حقوقی است که از مجرای تنظیم و به‌کارگیری نوشته‌ها و سندها و یا ساخت و بهره‌جویی از برخی اشیا و علامت‌ها توسط اشخاص حقیقی و حقوقی شکل می‌گیرد. وجه دیگر این قضیه، جلوگیری از وقوع جرم‌های محتمل دیگری نظیر کلاهبرداری، اختلاس، دخالت در مشاغل دولتی، تدلیس در ازدواج، فرار از خدمت سربازی، افترا و انحراف در عدالت قضایی از این رهگذر است. از همین‌رو، در هر دوره‌ی قانون‌گذاری، فصل یا مبحث مستقلی راجع به جعل و تزویر پیش‌بینی و پاسخ‌های کیفری متنوعی بسته به جلوه‌های آن تدارک دیده شده است.

هم‌اکنون، مصوبه‌ی عام فراروی مرجع‌های کیفری برای استناد در این چارچوب، فصل پنجم از بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است که علیرغم اختصاص بیست ماده‌ی تفصیلی از آن به توصیف، طریق‌های تحقق، مصداق‌ها و ضمانت اجرای این جرم، از بایسته‌های لازم برخوردار نیست. چه، چالش‌های ناشی از آن، از همان آغاز فصل مورد اشاره با عجز از ارائه‌ی تعریف مفهومی و بسنده کردن به ذکر نمودهای ناکاملی از آن بروز و در ادامه، به دیگر موردها از جمله، ابهام در انتساب جعل مفادی به اشخاص خارج از نهادهای حکومتی و دستگاه‌های اجرایی، ایجاد تردید در تحقق این نوع جعل از طریق ترک فعل، نداشتن موضع صریح نسبت به تحقق جعل در تصویر یا رونوشت سند یا نوشته، پوشش دادن رفتارهای دارای ماهیتی متفاوت از جعل همچون صدور گواهی خلاف واقع (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۲۱۷-۲۱۳ و ۲۴۷-۲۴۳؛ میرکمالی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۳: ۲۰۹-۲۰۸)، ملحق نمودن قلب سکه به قلمرو جعل، تداخل مفاد برخی ماده‌ها و گونه‌بندی ناقص جعل‌های منسب به اشخاص حقیقی و حقوقی تسری یافته است. افزون بر این، وجود مقرره‌های عدیده و ایجاد تبعاتی مانند دشواری در امر تشخیص و تصمیم‌گیری، وضع نابسامانی را ایجاد کرده است (منصورآبادی و فتحی، ۱۴۰۲: ۲۹۷-۲۹۶؛ گلشنی و دیگران، ۱۲۸۸).

مسائل بالا موجبات تنظیم مبحث نخست از فصل پنجم لایحه‌ی تعزیرات را همراه با بداعت‌هایی فراهم کرده است. نسخه‌ی نخست این نوشتار در سال ۱۴۰۱ تنظیم و متعاقب بررسی آن توسط جامعه‌ی حقوقی کشور، در بوته نقد قرار گرفت. در ادامه، هرچند که فصل‌های دیگری از متن یاد شده دست‌خوش گرگونی شد، اما دامن گیر قلمرو بالا نگردید. آخرین نسخه‌ی تنظیم شده در زمستان ۱۴۰۳ نیز در بردارنده‌ی تغییری در این حوزه نیست. حال، پرسش این است که این سند، حاوی چه تدبیرهای فروگشا برای حل مسائل حوزه‌ی جعل از جمله موردهای یاد شده است؟ چنین به نظر می‌رسد که در متن مزبور، به تجلی‌های بیشتری از جعل و جرم‌های مؤخر بر آن توجه و همچنین، طبقه‌بندی دقیق‌تری از اشخاص درگیر آن‌ها ارائه شده است. به‌اضافه، برخی از مصوبه‌های موازی مثل قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس با تغییرهای معنی‌داری در مقرره‌ای واحد ادغام شده‌اند. با این‌همه، متن مورد اشاره، از کاستی‌هایی چون عدم توصیف جزایی برخی از فعل‌های مزورانه تحت عنوان جعل یا جرم متصل به آن، الحاق برخی نقض هنجارها به جعل به‌رغم نداشتن سنخیتی با آن‌ها نظیر برخی تخلف‌های پژوهشی، تفکیکی ناتمام از جعل‌های منتسب به اعضای نهادهای غیر حاکمیتی و اجرایی و جرم نپنداشتن تولید، تهیه، نگهداری و خرید و فروش ابزارهای مختص ارتکاب جعل اشاره رنج می‌برد.

در خصوص پیشینه‌ی پژوهش گفتنی است، تا کنون راجع به این پدیده و جرم‌های متعاقب آن، آثار مکتوب معتنا به و مانایی چون کتاب، مقاله و پایان‌نامه به رشته‌ی تحریر درآمده است. از جمله آن‌چه که منتسب به اندیشمندانی نظیر دکتر

حسین میرمحمدصادقی، دکتر عباس شیری، دکتر عباس منصور آبادی، دکتر محمد جواد فتحی و محمد سلیمان پور است. اما آن‌ها یکسره مربوط به تحلیل فصل پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، جعل‌های موردی ناظر به قوانین خاص و یا مقرره‌های پیش از انقلاب اسلامی است. به این سان، تاکنون تحقیقی پیرامون ارزیابی نگرش لایحه‌ی تعزیرات نسبت به این جرم و ملحق‌ات آن صورت نگرفته است. با این توضیح، ساختار پژوهش به این شکل است که در بند نخست، تغییرات داده شده به ماده‌ی (۵۲۳) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بررسی شده است. در بند دوم، اشخاص بزه‌کار به اعتبار وابستگی یا عدم وابستگی به تشکیلات سازمانی و جعل منتسب به آن‌ها مورد تشریح گرفته‌اند. در بند سوم نیز، به تبعات یکپارچگی احکام ناظر به جعل پول و سکه پرداخته شده است.

پیش از خروج از مقدمه، ضروری می‌نماید راجع به پیشینه‌ی پژوهش اشاره شو به این که اگرچه راجع به بزه جعل و جرایم متعاقب آن

۱. تبیینی معقول‌تر از گستره جعل

هیچ‌یک از قانون‌های عام و خاص فعلی، تعریفی که باید را از جعل که مبین مفهوم و ماهیت آن باشد، ارائه ننموده‌اند. در وضع کنونی، تنها مأخذ قابل اتکا برای تأمل، ماده‌ی (۵۲۳) کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ است. متن طولانی‌ای که نمودهایی از این رفتار خلاف مصالح عمومی کشور را بر شمرده و دست آخر، با اضافه شدن عبارت "و نظایر این‌ها"، به آن، رو به ابهام گذارده است. ماده (۱۱۶) لایحه‌ی تعزیرات^۱ نیز به عنوان جایگزین، در تکاپوی رفع این نقص برنیاورده است. با این وجود حاوی تغییرهای شکلی و ماهوی چندین است. به لحاظ شکلی می‌توان به حذف اصطلاح "تعزیر" پس از اصطلاح "جعل" اشاره کرد. با وجودی که اغلب (پیمانی، ۱۳۷۵: ۱۰۶؛ بارانی، ۱۴۰۳: ۱۶؛ گریلی، ۱۳۸۹: ۱۶۴؛ و نظریه‌ی مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه (۱۳۷۸/۴/۲۶-۷/۲۳۵۰) بین موردی‌های یاد شده تفاوت معنی‌داری قابل نشده و تزویر را تأکیدی بیش بر ماهیت دروغین و اغفال‌کننده‌ی جعل دانسته بودند، برخی (زراعت، ۱۳۷۷: ۱۷۵)، اصطلاح نخست را معطوف به جعل معنوی نموده بودند. در بیان نادرستی تعبیر اخیر همین بس که قانون‌گذار در مقام معرفی برخی نمادهای جعل مادی از جمله در ماده (۵۳۲) کتاب تعزیرات از اصطلاح تزویر، و در هنگام اشاره به مصداق‌هایی از جعل معنوی از جمله در ماده (۵۳۴) منبع مزبور از ترکیب هر دو اصطلاح استفاده کرده است (سالاری شهر بابکی، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

به لحاظ ماهوی نیز می‌توان به رفع ضعف ماده (۵۲۳) قانون مجازات اسلامی در غفلت از جعل معنوی و شیوه‌ی انجام‌اش با ذکر جمله‌ی «...یا تحریف مطالب یا اظهارات دیگری حین تقریر آن‌ها...»، اشاره کرد. هرچند ماده (۵۳۴) قانون مزبور به تشریح این نوع جعل تخصیص یافته بود، اما عدم انعکاس آن در مصداق‌های ماده (۵۲۳) وجهی نداشت. خلاء دیگر پرشده توسط این ماده، تصریح به اثر انگشت و امکان بروز جعل نسبت به آن از این سه طریق و پایان

۱. طبق این ماده: «جعل عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا هر گونه تغییر در نوشته یا سند اصیل از قبیل خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته‌ی دیگر یا تحریف مطالب یا اظهارات دیگری حین تقریر آن‌ها یا شبیه‌سازی یا ساختن مهر یا امضای اشخاص یا به کار برن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن‌ها یا انگشت زدن به جای دیگری یا ساختن اثر انگشت دیگری یا به کار بردن «بدون رضایت وی در فضای واقعی یا مجازی و نظایر آن‌ها به قصد تقلب».

دادن به اختلاف رویه‌های موجود در این باره است: نخست، ساختن اثر انگشت دیگری؛ دوم، انگشت زدن به جای دیگری و سوم، به کار بردن اثر انگشت دیگری بدون اذن صاحب آن. در وضع فعلی هم، علیرغم برخی دیدگاه‌ها به عدم امکان تحقق جعل از این مجرا به سبب نبود نصی صریح (فضلی، ۱۴۰۱: ۲۸۳)، با توجه به این که قانون و عرف برای اثر انگشت افراد در موردی مثل شرکت در انتخابات ارزشی همپایه‌ای امضا قائل شده‌اند، می‌توان با تفسیری منطقی، ماده (۵۲۳) را مشمول آن دانست. زیرا، با وجود متفاوت بودن اثر انگشت هر فرد نسبت به دیگری از نظر فنی، اما درج آن در کنار نام غیر، احتمال به اشتباه افکنده شدن مردم بی‌توجه به خط‌ها و شیاری‌های این اثر، می‌رود (بارانی، ۱۴۰۳: ۳۶؛ منصورآبادی و فتحی، ۱۴۰۲: ۵۸). عبارت «و نظایر این‌ها» در انتهای ماده مزبور هم، این منطق را تقویت می‌کند که درج اثر انگشت فرد در ذیل یک نوشته، جز به معنای تأیید منرجات متن توسط صاحب اثر انگشت نخواهد بود. اهمیت ماده (۲۲۴) قانون آیین دادرسی مدنی نیز از این رو است که رسمیت اثر انگشت را مورد اذعان قرار داده است» (شیری، ۱۵۱: ۱۴۰۱). به رغم این، شماری از حقوق‌دانان با زیر پرسش بردن این دیدگاه، آن را خلاف اصل قانونی بودن جرم و تعبیر متون جزایی به نفع متهم دانسته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۲۱۵-۲۱۴).

اشاره‌ی لایحه در قسمت انتهایی ماده مورد گفت و گو، به فضای مجازی و مساعد دانستن بستر آن برای تحقق جعل، به انضمام نسخ قانون جرایم رایانه‌ای در ماده (۴۲۲) و همسان کردن مجازات جعل در این ساحت با جعل سنتی در ماده (۱۳۳)، وجه مثبت دیگر آن است. در حالی که فرق قابل ذکر بین شناخت ارتکاب این جرم در این دو بستر وجود ندارد، موضع قانون جرایم رایانه‌ای در پیش‌بینی ضمانت اجرایی متفاوت و بلکه در اغلب حالت‌ها با شدتی کمتر^۱ نابسند (بستانی، ۱۴۰۱: ۱۲۱) و رهیافت لایحه^۲ از این رو منطقی تر می‌نماید. مسأله‌ی دیگر، برداشت‌های ناهمسو راجع به میسر بودن تحقق جعل در قبال تصویر یا رونوشت سندها و نوشته‌ها است. برخی (زیرانی و دیگران، ۱۴۰۲: ۷۰۶؛ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه؛ نظریه‌های ۱۳۷۸/۴/۵-۷/۲۰۷۳ و ۱۳۷۴/۱۱/۳-۷/۶۰۸۶) با قائل به تفکیک شدن بین نسخه‌ی مصدق و غیرمصدق موردی نام‌برده، نوع نخست را به سبب کسب اعتبار از این طریق، مشمول تحقق این جرم می‌دانند. کما این که رویه‌ی برخی از دادگاه‌ها همسو با چنین این ایده‌ای تنظیم و تثبیت یافته است. از جمله می‌توان به دادنامه شعبه‌ی (۱۹) دادگاه تجدید نظر استان تهران اشاره کرد که با نقض دادنامه‌ی تجدید نظرخواسته، به صراحت اقدام متهم در اخذ کپی از شناسنامه و تغییر در شماره آن و در نهایت فریب بزه‌دیده نسبت دریافت چک و وصول وجه آن را به سبب برابر با اصل نمودن آن، مصداق جعل و کلاه‌برداری (تعدد مادی) از طریق استفاده از سند مجعول (تعدد معنوی) پنداشته است.^۳ در برابر، برخی (ساریخانی، ۱۳۸۴: ۳۲۳؛ منصورآبادی و فتحی، ۴۷)، با رد این تفکیک و نفی سندیت هر نوع روگرفت،

۱. ماده (۷۳۴) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هرکس به طور غیر مجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون تا یکصد میلیون ریال محکوم خواهد شد: الف) تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبان داده‌ها به آن‌ها. ب) تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبان داده‌ها یا علائم به آن‌ها».

۲. ماده (۱۳۳): «ارتکاب هریک از رفتارهای زیر حسب مورد مشمول مجازات‌های مقرر در این فصل خواهد بود: الف) تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبان داده‌ها به آن‌ها یا استفاده از آن‌ها. ب) تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبان داده‌ها یا علائم به آن‌ها».

۳. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۴۳۸ که ماحصل آن عبارت است از: تعیین مجازات یک سال حبس برای جعل و دوسال حبس و رد مال در حق شاکی به مبلغ سیصد و نود و هفت میلیون ریال و جزای نقدی معادل این مبلغ در حق دولت و البته رد مال در حق شاکی.

آن‌ها را موضوع جعل نمی‌دانند. رویکرد سوم نیز معتقد به تحقق جعل در کپی و لو به شکل تصدیق نشده، به جهت بها دادن به آن‌ها در بسیاری از نهادها است (شاکری و رضایی سراجی، ۱۳۹۳: ۱۸۱). همسویی برخی از دادگاه‌های کشور با این تلقی و بروز تشتت در رویه‌ی موجود نیز قابل انکار نیست. چندان که می‌توان به رأیی غیر از مورد مذکور که در برهه‌ی دیگری از مرجع عالی یاد شده صادر و مشمول قطعیت شده است، اشاره کرد.^۱ همچنین است اتخاذ این رویکرد از جانب برخی دادگاه‌های نخستین. از جمله می‌توان به رأی شعبه‌ی ۱۰۱ دادگاه کیفری (۲) دادگستری شهرستان قدس نسبت به مبیعه‌نامه و استفاده از آن و اخذ پروانه‌ی ساخت توجه کرد؛^۲ اگرچه در نهایت شعبه (۶۹) دادگاه تجدید نظر استان تهران با وقعی نهادن به این برداشت، آن را نقض می‌کند.^۳ تبصره‌ی ماده (۱۱۶) لایحه ضمن پذیرش دیدگاه نخست، ارتکاب رفتارهای موضوع این ماده را در مورد در تصویر یا رونوشت سند یا نوشته‌ای که حتی در مقطعی بعد نیز برابر با اصل شده باشد، جعل منظور کرده است.

درکنار این حقیقت، از چند سو به ماده‌ی (۱۱۶) نقد وارد است: نخست؛ عدم ارائه‌ی تعریفی به مفهوم از جعل است. انتظار می‌رفت، با الگو از نگرش صورت گرفته نسبت به جرمی چون سرقت در قانون مجازات اسلامی، در این مجال نیز یک ماده به تعریف و ماده دیگر به بیان مصادق‌های جعل تخصیص داده می‌شد. با وجود دشواری تعریف این جرم، می‌توان بیان مفهوم کرد که: «جعل عبارت است از ساختن یا تغییر دادن سند، نوشته یا اشیاء و چیزهای دیگر، و به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه به قصد تقلب و اضرار به‌خیر». مقبولیت این عبارت از این‌روست که به مؤلفه‌های بنیادینی چون موضوع جعل، طریق‌های سه‌گانه‌ی تحقق این پدیده مشتمل بر ساختن، تغییر دادن، به کار بردن و به رکن روانی آن (قصد تقلب و اضرار به دیگری) توجه کرده است (شیری، ۱۴۰۱: ۱۴). دوم؛ قلب مسکوکات طلا و نقره و غیر آن‌ها و دیگر جرم‌های پیرامون آن، شکلی از جعل است و به‌درستی توسط لایحه در زیر مجموعه‌ی بحث جعل و استفاده از سند مجعول جای گرفته‌اند (ماده‌های ۱۴۲-۱۴۰). اگرچه این موضوع در بندهای بعدی مورد تفصیل قرار خواهد گرفت، اما در این جا همین بس که اشاره شود که علیرغم اهمیت چنین نکته‌ای، ماده (۱۱۶) بدان اشاره نکرده است.

سوم؛ اگر به سطر نخست این ماده نگریسته شود، جعلیت نوشته یا سند دستخوش تغییر شده، منوط به اصالت آن شده است. در نتیجه، نمی‌توان هیچ نوع کاستن یا افزودنی به مکتوبات ساختگی را با هر قصدی جعل پنداشت. این تلقی، که امتداد دیدگاه برخی صاحب‌نظران (مصلایی، ۱۳۸۳: ۲۹۱؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۲۵۴؛ ستاری، ۱۴۰۳: ۳۴۳) است، جای درنگ دارد. زیرا، ساختن توأم با نیت سوء نوشته یا سند می‌تواند کلی یا جزئی باشد؛ با این تفاوت که در فرض نخست، تمام و در فرض دوم، بخشی از آن‌ها توأم با تزویر خواهد بود. به همان میزان که توده‌ی مردم ممکن است از طریق نوشته یا سند به کل ساخته شده، با وجود نداشتن ارزش حقوقی اما به‌خاطر شباهت با اصل، در معرض اغفال و قبول آن‌ها به عنوان نسخه‌ی معتبر قرار گیرند، دست‌کاری در نوشته یا سند پیشتر جعل شده نیز هرآینه آن‌ها را قانع به پذیرش به‌جای اصل می‌کند. چهارم؛ رفتارهای برشمرده شده‌ی در ماده (۱۱۶) به گونه‌ای است که گویی جملگی مظهر فعل‌اند.

^۱. رأی ۹۲۰۹۹۸۲۱۴۶۷۰۰۱۹، مورخ ۱۳۹۴/۵/۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران (نقل از معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری کل استان تهران: ۱۴۰۳: ۲۱۷-۲۰۹).

^۲. دادنامه شماره ۱۹۱۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.

^۳. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۵۹۰۰۵۷۸.

در حالي که جعل معنوي از هر دو طريق فعل و ترک فعل ممکن مي نمايد. حالت نخست، مانند درج شرطي در هنگام تنظيم قرارداد توسط بنگاه دار با سوء نيت به ضرر خريدار نا آگاه از اين امر و حالت دوم، مثل عدم قيد خواسته ي مورد تصريح خريدار در حين تنظيم سند (سليمان پور، ۱۳۹۶: ۷۳).

پنجم؛ عبارت مندرج در ماده ي بالا مبني بر «شبيه سازي يا ساختن مهر يا امضاي اشخاص» که پس از جمله ي «يا تعريف مطالب ديگري حين تقرير آنها» و پيش از جمله ي «يا به کار بردن مهر ديگري بدون رضاي صاحب آن» ذکر گرديده، از وضوح لازم برخوردار نيست. چه، معلوم نيست به کدام جلوه يا جلوه هاي جعل اشاره دارد؟ اين که شبيه سازي شرط تحقق جعل است يا نه، البته مي ان اصحاب نظر و آراي محاکم مسأله است. با اين حال، تحليلي که شبيه سازي را ضرورتي اصولي براي حقيقت پيدا کردن اين جرم نمي داند مگر در مورد مصداق هاي معروفی مانند اسکناس هاي رايج، واقع بينانه تر است (رأی شماره ۱۲۸۸-۱۳۲۵/۵/۲۷؛ کامفر، ۱۴۰۳: ۵۲۳؛ مير محمد صادقي، ۱۴۰۳: ۲۵۷-۲۵۵). ششم؛ در اين که بايد «پاراف» را به منزله ي امضا محسوب و ساختن متقبا نه ي اين علامت را جعل دانست يا نه، اين ماده از لايحه مانند ماده (۵۲۳) قانون مجازات اسلامي (تعزيرات) سخني ندارد. از آن جاکه در ساختار اداري کشور، پاراف نمودن نامه ها امري معمول و مقام تحت امر را موظف به اجراي دستور مقام مافوق مي کند، الحاق آن به امضا نشان از واقع بيني وضع موجود است. از اين حيث، مناسب بود که لايحه به يکي از اين دو صورت اقدام به جمله بندي مي نمود: «... ساختن مهر يا امضا يا پاراف اشخاص...» يا «... ساختن هر نوع علامت منتسب کننده نوشته يا سند به ديگري مانند مهر، امضا يا پاراف...».

۲. سامان دهی پيش از پيش اشخاص بزه کار و گونه بندي جعل منتسب به آنها

پيش از تصويب قانون مجازات اسلامي در سال ۱۳۹۲، مسؤوليت کيفري اشخاص حقيقي قاعده و مسؤوليت کيفري اشخاص حقوقي مورد ي بود. از آن سو به بعد، اشخاص اخير نيز تحت شرايطي مسؤوليت فراگيري در قبال عموم جرم ها از جمله جعل و جرم هاي متصل به آن يافتند. لايحه ي مدنظر، در خصوص معرفي کنشگران حقيقي و حقوقي خاطي و نوع جعل ناشي از رفتار آنها نسبت به بخش تعزيرات قانون مجازات اسلامي تفکيک و تفصيل بيشتري به خرج داده است.

۲-۱. اشخاص حقيقي

در تحول صورت گرفته، به اشخاص حقيقي از حيث تعلق يا عدم تعلق به سازمان ها و تشکل هاي حاکميتي، اجرايي يا عمومي با دقتي افزون تر از گذشته اعتنا و شکل هاي تحقق جعل و جرم هاي در پيوند با آن، متناسب با موقعيت هر مرتکب ترسيم و در معرض ضمانت اجرا قرار گرفته اند.

۲-۱-۱. کارکنان نهادهاي حکومتي و اجرايي

از نمونه مصوبه هاي حاکم بر نظام استخدا مي کشور، قانون عام مديريت خدمات کشوري مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدي، قانون محاسبات عمومي مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدي و ماده (۲۹) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ است که راجع بخش دولتي و جزئيات به خدمت گرفتن شهروندان در اين ساختار تنظيم شده اند. سياست کلي

خدمات کشوری، تسری دامنه‌ی شمول این قانون‌ها بر همه‌ی کارکنان دستگاه‌های حاکمیتی و اجرایی به‌ویژه حول ماده (۵) قانون نخست به‌هدف ایفای نقش بهینه‌ی آن‌ها است (همتی، ۱۴۰۰: ۲۴۵). لایحه‌ی یاد شده نیز بر اساس مقرره‌های بالا، با تمرکز بر نهادهای مانند وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسه‌ها و توابع آن‌ها به بیان انواع جعل ارتكابی از جانب کارگزاران آن‌ها پرداخته و تنظیم واکنش کرده است.

۲-۱-۱-۱-۲ ارتكاب جعل مادي؛ اصلاح ماده (۵۳۲) قانون مجازات اسلامي (تعزیرات)

این مورد از جعل همان‌گونه از نام آن پیداست، جنبه‌ی فیزیکی و مادی داشته و به‌شکل ساختن یا تغییر مادی در نوشته یا سند نمود می‌نماید. از این‌رو، هرچند هم که مرتکب در این امر مهارت به‌خرج داده شده باشد، به‌واسطه به‌جای ماندن آثار خدشه برای بستری چون سند یا نوشته، تزویر صورت گرفته، توسط کارشناس و کاربست تکنیک‌های علمی قابل شناسایی است (شیری، ۱۴۰۱: ۱۳۹). قانون مجازات اسلامي (تعزیرات)، ابعاد تحقق این نوع جعل توسط خدمه‌ی دولتی را به‌طور مستقل در ماده (۵۳۲) بررسی و تحت ضمانت اجرای تا حدی شدید (حبس یک تا پنج سال یا جزای نقدی پنجاه تا دویست و پنجاه میلیون ریال) قرار داده است. با وجود این، ضرورت وضع ماده (۱۱۸) لایحه در این زمینه، از چندرو بوده است: نخست؛ این ماده در خصوص وضعیتی که مأمور مورد نظر چنین جعلی را بدون ارتباط با انجام وظیفه‌ی خود مرتکب شود، تکلیف را روشن و مجازات او را به‌مثابه مجازات افراد عادی انجام دهنده‌ی این رفتار (حبس یا یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش)^۱ تعیین کرده است. در حالی که اکنون، بین حقوق‌دانان در این‌که آیا مجازات پیش‌بینی شده برای افراد عادی، موضوع شامل ماده (۵۳۳)، مشمول او می‌شود (بارانی، ۱۴۰۳: ۸۸) یا هیچ تهدید کیفری متوجه او نیست (میرمحمدصدقی، ۱۴۰۳: ۲۳۴)، وحدت نظر نیست. این دوگانگی ناشی از نگرش ماده‌ی مزبور است که مرتکب جرم را مستخدمین غیر دولتی معرفی کرده است. دوم؛ بر خلاف ماده (۵۳۲) قانون مجازات اسلامي (تعزیرات) که با محدود کردن مرتکبین جعل مورد اشاره به کارمندان و مسؤولان دولتی، بزه‌کاران نهادهای عمومی غیر دولتی را به اجبار مشمول ضمانت اجرای افراد عادی موضوع (ماده ۵۳۳) نموده است (حیدری، ۱۴۰۱: ۷۳۱-۷۳۰) و نظریه‌ی مورتی شماره ۷/۹۸/۷۹۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۸ را مؤید خود دارد،^۲ ماده (۱۱۸) لایحه با اشاره به دستگاه‌های اجرایی، هم‌ردیف با نهادهای حاکمیتی، به حل این مسأله انجامیده است. رجوع به ماده (۵) قانون خدمات مدیریت کشوری نیز دلالت آشکاری بر قرار گرفتن مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیر دولتی ذیل دستگاه‌های اجرایی دارد. سوم؛ برخی از حقوق‌دانان

۱. طبق ماده (۹) لایحه، این مجازات‌ها عبارتند از: دوره مراقبت به مدت یک تا دو سال، جزای نقدی روزانه بیش از سیصد و شصت تا هفت صد و بیست روز، محرومیت از انتخاب شغل، تصدی، استخدام، عضویت در دستگاه‌ها و ارگان‌های مندرج در بند (ب) بیش از دو سال تا چهار سال و اقامت اجباری در محل معین یا منع از اقامت در محل یا محل‌های معین به مدت بیش از دو سال تا چهار سال.

۲. اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این پرسش که شهردار شهری که در اجرای وظایف قانونی خود مرتکب جعل مادی در پروانه ساختمانی صادره توسط آن شهرداری شده است و میزان مجوز ساخت را کم و زیاد نموده است، رفتار وی مشمول ماده (۵۳۲) قانون مجازات اسلامي (تعزیرات) است یا ماده (۵۳۳) این قانون؟ اظهار می‌دارد: «با توجه به آن‌که قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۷۵، در موارد متعدد در کنار کارمندان دولتی یا نهادهای دولتی، شهرداری‌ها را نیز ذکر نموده است، مانند مواد (۵۲۷)، (۵۲۸)، (۵۷۶)، (۵۹۸)، (۶۰۹) و (۶۹۰)، به دویست کارمندان دولت و مسؤولین دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی از جمله شهرداری‌ها علم داشته است. لذا، به جهت عدم ذکر شهرداری در ماده (۵۳۲) قانون مجازات اسلامي (تعزیرات)، در صورت ارتكاب جعل توسط شهردار، با عنایت به کارمند نهاد عمومی غیر دولتی بودن، وی مشمول ماده (۵۳۳) قانون مزبور می‌شود».

(پیمانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵؛ زراعت، ۱۳۹۲: ۱۶۲)، دامنه‌ی شمول ماده (۵۳۲) به اعتبار شماری از رفتارهای ذکر شده در آن، مثل تغییر اسم‌های اشخاص، به جعل معنوی هم تسری داده‌اند. پذیرش این گفته دشوار است؛ زیرا با توجه به انحصار ماده (۵۳۴) به این نوع جعل، به زیر پرسش برده شدن فلسفه وجودی وضع دو مقرره‌ی مجزا برای تبیین دو نوع جعل متفاوت می‌انجامد. به این‌سان، ماده (۱۱۸) لایحه برای رفع این تشتت به حذف موردهای شبهه‌انگیز اینچنینی از ماده (۵۳۲) اقدام کرده است. چهارم؛ تبصره ماده (۵۲۷) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) برای جعل مدارک دانشگاهی توسط کارکنان دولتی، نهادهای انقلابی و شهرداری، سوای این که در ارتباط با وظیفه آن‌ها باشد یا نه، مجازات سه سال حبس را در نظر گرفته است. از آن‌جاکه جاعلی با این مختصات و نیز موضوع جعل منتسب به او مشمول ماده (۵۳۲) است، پیش‌بینی ماده (۵۲۷) با پاسخ کیفری نه چندان شدیدتر، پشتوانه‌ای ندارد. ماده (۱۱۸) لایحه در توجه به این نکته، ضمن ادغام موضوع ماده (۵۲۷) در محتوای خود، به ارتباط بین رفتار مرتکب و رسالت شغلی‌اش اشاره و آن را عاملی برای سنگینی کیفر او قرار داده است. پنجم، عبارت "علاوه بر جبران خسارت وارده"، از شمار ضمانت‌اجراهای ماده (۵۳۲) حذف گردیده است. درستی این تصمیم از این‌رو است که ضرر زیان ناشی از جرم یک امر مدنی و روند مطالبه‌اش مطابق قواعد آیین دادرسی مدنی در دادگاه جزایی ممکن است. گذشته از این، وجود عبارت بالا در کنار ضمانت‌اجراهای کیفری، شائبه‌ی بی‌نیازی بزه‌دیده از لزوم تقدیم دادخواست و عدم رعایت دیگر ضابطه‌های شکلی را ایجاد کرده بود.

اشکال‌های شکلی و ماهوی وارد بر لایحه در تنظیم ماده مورد ذکر نیز عبارت‌اند از: نخست؛ نمی‌توان تصور کرد که عملکرد کارمند در راستای انجام وظیفه‌ی تعریف شده، نقض قانون و در نتیجه جعل باشد. شکستن هرگونه هنجار در یک ساختار، جز در پرتو رفتار مخالف وظیفه صورت نمی‌گیرد. پس روا بود که از عبارت مناسب‌تری چون "ارتکاب جعل در ارتباط با انجام وظیفه" استفاده می‌شد. دوم؛ طبق قانون، ارتکاب هر قسم جعل از جمله این مورد توسط هر شخص مقید به نتیجه خاصی نیست و به این ترتیب، آن‌ها در جرگه‌ی جرم‌های مطلق قرار می‌گیرند. با این‌همه، عدالت کیفری ایجاب می‌کرد که برای فرض حصول پیامد ناشی از این اقدام، ضمانت‌اجرای سخت‌تری تعیین می‌شد. همان‌طور که در ماده (۶۰) قانون خدمت وظیفه‌ی عمومی مصوب ۱۳۶۳، اصلاحی ۱۳۶۸ و ماده (۳۷) قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ چنین شده است. سوم؛ ماده‌ی گفته شده، در خصوص سندها و نوشته‌های عادی‌ای که بنا به جهت‌هایی در اختیار این پرسنل قرار گرفته و با سوء نیت مرتکب جعل در آن‌ها می‌شوند، تعیین ضمانت اجرا نکرده است. بسیار معمول است که مأموران مؤسسه‌های دولتی یا عمومی، مدارکی مانند قولنامه یا استشهادیه‌ی محلی مربوط به ارباب رجوع را حسب ضرورت دریافت و برای احراز شرایطی مورد بررسی قرار می‌دهند. این رفتار به‌ناچار مشمول ماده (۱۲۲) و پاسخ کیفری سبک ذکر شده در آن (یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه هفت^۱) می‌شود.

۲-۱-۱-۲. ارتکاب جعل معنوی؛ اصلاح ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

۱. طبق ماده (۹) لایحه این مجازات‌ها عبارتند از: دوره مراقبت بیش از شش ماه تا یک سال، خدمات عمومی رایگان بیش از دوپست و هفتاد ساعت تا پانصد و چهل ساعت، جزای نقدی روزانه از یک‌صد هشتاد تا سیصد و شصت روز، اجبار به اقامت در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، محرومیت از انتخاب شغل، تصدی و..... از یک تا دو سال.

در این نوع جعل برخلاف جعل پیش گفته، بزه کار بدون اقدام به ساختن یا ایجاد تغییر در هر یک از مصداق‌های احصا شده‌ی قانونی، از طریق درج وارونه‌ی حقیقت در بطن آن‌ها، در صدد اغفال دیگران بر می‌آید. از آن‌جا که در این اقدام، مرتکب، مفاد تزویر نموده را به دیگری و نه به خود منتسب می‌کند، نباید آن را با بزه گواهی خلاف واقع که از مفهوم دیگری برخوردار و منتسب‌الیه‌ی دروغینی ندارد، واحد دانست (میرکمالی و عباس‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۲۱؛ کوشا، ۱۳۸۱: ۳۱). در مجموع، ویژگی‌های خاصی که جایگاه این مدل از جعل را متمایز از هر مفهوم دیگری می‌کند عبارتند از: نخست، توجه آن به مندرجات نوشته یا سند به‌عنوان اموری معنوی؛ دوم، تحقق به‌هنگام تنظیم نوشته یا سند؛ سوم، اهلیت سازنده‌ی نوشته یا سند، همچون مقام قضایی تنظیم‌کننده‌ی صورت‌مجلس محاکمه که در آن بزرگه حقیقتی را ابتدا در ذهن تحریف و سپس در آن منعکس می‌کند؛ چهارم، اثبات آن از رهگذر قرائن و امارات و دلیل‌های معارض و نه از طریق کارشناسی (شیری، ۱۴۰۱: ۲۰۴-۲۰۶). باری، ماده (۱۲۴) لایحه که جانشین ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامی راجع به تبیین این شکل از جعل شده است، نسبت به آن، حاوی فرق معناداری مگر در خصوص این چند مورد نیست: نخست؛ در معرفی مرتکبان جرم نام‌برده، با به‌خرج دادن دقت، به مستخدمین نهادهای حکومتی و دستگاه‌های اجرایی، به‌جای کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأموران به خدمات عمومی، اشاره کرده است. دوم؛ به هدف اثر بخش‌تر کردن ضمانت اجراها، حبس و انفصال از خدمات دولتی و عمومی درجه پنج^۱ را جایگزین حبس یک تا پنج سال یا جزای نقدی پنجاه تا دویست و پنجاه میلیون ریال کرده است. به‌خصوص، رجحان ضمانت اجرای انفصال در برابر جزای نقدی، به‌سبب سوء استفاده‌ی هریک از اعضای شخصیت‌های حقوقی پیش گفته از موقعیت خود برای ارتکاب جرمی چنین مهم، محسوس و مؤید سلب اعتماد عمومی از چنین خاطیانی است.

ضعف‌های این ماده نیز برشمردنی است: نخست؛ از اشاره صریح به عبارت "جعل معنوی یا مفادی" که در ادبیات حقوق کیفری عنوانی مأنوس و تثبیت یافته است، پرهیز و با ذکر برخی الگوهای رفتاری، بیان مقصود کرده است. دوم؛ با اشاره به برخی مصداق‌ها نظیر "تحریف مهر"، عدم درک درست خود از این‌گونه جعل را نشان داده است. زیرا، در خصوص این شیء، تحقق جعل جز به‌شکل مادی مثل "ساختن" یا "به‌کار بردن" مقدور نیست. کافی بود، به ماده (۱۰۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که در مقام شناساندن همین قسم از جعل با آگاهی ذکر از نمونه‌ی مناقشه برانگیز مزبور ننموده است، رجوع و از آن الگو برداری می‌شد. سوم؛ به این حالت متصور که بسا ارتکاب جعلی از این نوع توسط مأمور یک دستگاه بدون ارتباط با انجام وظیفه‌ی شغلی‌اش تحقق یابد، التفاتی نشده است. این برداشت که تحریف حقیقت در حین نگارش نوشته یا سند معنی شکل گرفته و خارج از چارچوب وظیفه نمی‌توان قائل به حقی برای تنظیم هیچ گونه متن رسمی برای مأمور خطا کار و در نتیجه تحقق جعلی از این نوع شد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳: ۲۳۵)، پذیرفته نیست. زیرا محتمل است که پرسنل دستگاه حاکمیتی یا اجرایی دارای اختیارات مشخص در حوزه‌ای چون مالی، به‌رغم دریافت ابلاغ انفصال از خدمت در زمینه‌ای که نباید، ورود کرده و با بستن قراردادی با طرف مقابل ناآگاه از این وضعیت، تقریرهای او را هنگام تحریر تغییر دهد.

۲-۱-۲. کارکنان نهادهای غیر حاکمیتی و دستگاه‌های اجرایی

۱. بیش از دو سال تا چهار سال (بند ت ماده ۹ لایحه).

منظور از این دسته از کارکنان، اشخاص شاغل در مراجع موضوع ماده (۲) لایحه تعزیرات از جمله شرکت‌ها و مؤسسه‌های عهده‌دار ارائه خدمات عمومی همانند کانون وکلای دادگستری، مؤسسه‌های داوری و میانجی‌گری، دفاتر خدمات الکترونیک، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی و دفاتر اسناد رسمی است. به‌هرصورت، ارزیابی آورده‌های لایحه راجع به طیف جعل‌های قابل وقوع در این ساختار توسط چنین افرادی در قیاس با قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اهمیت دارد.

۲-۱-۱-۲. ارتکاب جعل مادی

بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در باره ارتکاب جعل‌هایی از جمله با این سبک توسط اعضای بنیادهای ذکر شده، فاقد حکم مستقلی بوده و پس باید آن‌ها را همچون افراد عادی مشمول ماده (۵۳۶) و ضمانت اجرای سه‌ماه تا یک‌سال یا جزای نقدی بیست و پنج تا یکصد میلیون ریال دانست. ناگفته پیداست که در پرتو این واکنش ضعیف، نمی‌توان اشخاص صاحب موقعیت و مترصد فریب کاری از طریق سند سازی یا دست کاری در سند یا نوشته‌ی اصیل را منصرف از انجام بزه کرد. به‌ویژه این که قانون موسوم به کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، جعل موضوع ماده بالا را از شمول جرم‌های غیر قابل گذشت خارج کرده است. این است که لایحه تعزیرات در راستای رفع این ناکارآمدی، با اختصاص ماده (۱۱۹) به این موضوع، برای هریک از کارکنان مراجع مورد بحث که در پیوند با انجام وظیفه خود به ارتکاب جعل در نوشته‌ها و سندها و غیره دست زند، حبس بیش از شش ماه تا دو سال و محرومیت از فعالیت شغلی و حرفه‌ای درجه شش را در نظر گرفته است. اضافه بر این که رفتار یاد شده، نه در این ماده و نه در هیچ مقرره دیگری از لایحه، واجد جنبه‌ی خصوصی دانسته نشده است. ممکن است که کارکنان ذکر شده، جعل مورد گفت و گو را بدون ارتباط با رسالت کاری خویش انجام دهند که در این موقع حبس یا یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش در باره‌ی آن‌ها به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد. همین‌طور، اگر جاعلین این مدرک‌ها و نوشته‌ها افرادی عادی و خارج از این محدوده باشند (قسمت پایانی ماده ۱۹۹).

۲-۱-۲-۲. ارتکاب جعل معنوی

ملاحظه شد که لایحه تعزیرات در توصیف جعل‌های مادی و معنوی قابل ارتکاب از طرف کارکنان تشکیلات حکومتی و اجرایی، به سبب اهمیت، دو ماده‌ی مستقل را به آن‌ها اختصاص داده است. اما در رابطه با اعضای نهادهای خارج از این دایره، ماده‌ی غیر وابسته‌ای را در توجه جعل معنوی قابل ایجاد از سوی آن‌ها وضع ننموده است. این نگرش از آن‌رو زیر پرسش است که این قشر نیز همچون گروه نخست، از این امکان برخوردارند که در حیطه‌ی وظیفه‌ی شغلی خویش انحراف ورزیده و با تغییر موضوع یا مضمون یا قلب اظهارات شخص ثالث، مرتکب جعل در مفاد شوند. نمونه‌ی آن وقتی است که دادستان کانون وکلایی، پاسخ یک وکیل دادگستری مبنی بر عدم قبول اتهام دریافت حق الوکاله بیش از حد تعرفه از موکل را تحریف و عکس آن را در صورت مجلس قید کند. این مطلب البته به معنی نبود محملی برای مجازات این دسته در این وضعیت نیست؛ چه می‌توان به ماده (۱۲۴) که ناظر به عموم اشخاص مرتکب این نوع جعل و در بند بعد محور بحث است، استناد جست.

۲-۱-۳. اشخاص عادي

چون براي افراد خارج از موردهاي بالا نيز مقدور است كه از طريق توسل به انواع جعل مقاصد خويش را به پيش برند، بايد ديد موضع لايحه در اين خصوص چيست.

۲-۱-۳-۱. ارتكاب جعل مادي

اشخاص غير وابسته به تشكيلات برشمرده شده، در سه بستر قادر به ارتكاب اين نوع جعل خواهند بود: نخست؛ از طريق ساختن يا تغيير محيلانه‌ي نوشته‌ها، سندها يا ساير مصداق‌هاي مربوط نهادهاي حكومتي و دستگاه‌هاي اجرايي موضوع ماده (۱۱۸) لايحه كه در اين صورت با حبس يا يكي مجازات اجتماعي درجه شش روبرو خواهند بود. اين رويكرد در مقايسه با ماده (۵۳۳) قانون مجازات اسلامي كه به تحميل حبس از شش ماه تا سه سال يا جزاي نقدي سه تا هجده ميليون ريال حكم داده است، از حيث تعقيب هدف‌هاي سزاهي و بازدارندگي مجازات منطقي‌تر است. بديهي است، در صورت گرايش قاضي پرونده به اعمال مجازات اجتماعي، اهتمام او به ماهيت اين بزه، شخصيت مرتكب و بازدارندگي آن، اجتناب ناپذير است. به عنوان مثال، در صورت جعل پروانه‌ي وكالت دادگستري، محروميت فاعل از انتخاب اين شغل به مدت دو تا چهار سال (بند چهارم از قسمت «ت» ماده ۹ لايحه)، واكنشي مطلوب و در برابر، منع وي از فعاليت در رسانه‌ي ملي در اين مدت (بند ششم از همين قسمت)، تقابلي نامطلوب به نظر مي‌رسد. دوم؛ از طريق ساختن يا تغيير محيلانه‌ي نوشته‌ها، سندها يا ساير مصداق‌هاي مربوط نهادهاي غير حكومتي و دستگاه‌هاي اجرايي موضوع ماده (۱۱۹) لايحه كه ضمانت اجراي آن در اين حالت، مشابه موردهاي گفته شده است. با توجه به اهميت افزون‌تر نوشته‌ها و سندهاي موضوع ماده (۱۱۸) نسبت به ماده (۱۱۹) در اجتماع، ايجاب مي‌گردد كه تعرض به آن‌ها واكنشي سخت‌تر در پي داشته باشد. همان‌طور كه در خصوص مجازات كاركنان هريك از اين نهادها، ماده‌هاي مزبور چنين نموده‌اند.

سوم؛ از طريق ساختن يا تغيير محيلانه‌ي نوشته‌ها، سندها يا ساير مصداق‌هاي قانوني غير متعلق به نهادهاي ياد شده كه حسب مورد مي‌تواند متعلق به افراد مستقل يا وابسته به يك شخصيت حقوقي حقوق خصوصي باشد. اشخاص اخير، مشتمل بر شركت‌هاي تجاري مانند شركت سهامي خاص، شركت با مسؤليت محدود، شركت نظامي و سايرين و مؤسسه‌هاي غير تجاري اعم از انتفاعي و غير انتفاعي است (پاسبان، ۱۴۰۲: ۵۰۴۶). در اين وضعيت، وفق ماده (۱۲۲) لايحه، يكي از مجازات‌هاي اجتماعي درجه هفت در حق او اجرا خواهد شد. اين ماده در واقع جاگزيني براي ماده (۵۳۶) قانون مجازات اسلامي (تعزيرات) است كه جرم موضوع آن، گذشته از واجد جنبه‌ي خصوصي بودن (ماده ۱۰۴) قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۹۲، اصلاحي ۱۳۹۹، با مجازاتي برابر با حبس از سه ماه تا يك سال يا جزاي نقدي بيست تا صد ميليون ريال رو برو شده است.

۲-۱-۳-۲. ارتكاب جعل معنوي

در اين كه آيا جعلي با اين وصف را مي‌توان علاوه بر كارمندان نهادهاي بالا به افراد عادي نيز نسبت داد، ديدگاه‌ها ناهمسو است. گروه‌ي (مير محمدصادقي، ۱۴۰۳: ۲۳۴-۲۳۳)، با ارجاع به ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامي (تعزيرات) كه در

معرفی مرتکبان این جرم، از کارکنان اداره‌های دولتی، مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی به قید حصر یاد شده است، به این پرسش پاسخ منفي داده‌اند. از این منظر، سندهای غیر رسمی به هیچ روی نمی‌توانند موضوع جعل معنوی قرار گیرند. در برابر، برخی (منصورآبادی و فتحی، ۱۴۰۲: ۶۷؛ بارانی، ۱۴۰۳: ۷۵-۷۴؛ حاجی‌ده‌آبادی و گل‌محمدی شورکی، ۱۳۹۹: ۲۴۲) با این تبیین که چون ماده (۵۳۶) این قانون راجع به جعل در سند غیر رسمی و در باره‌ی نوع آن و مرتکبان‌اش حاوی کلامی عام و بی‌قید است، نظری متقابل دارند.^۱ چنان‌که اگر صاحب‌بنگاه معاملاتی در حین تحریر سند، گفته‌ی یکی از طرف‌های معامله را وارونه درج کند، یا نویسنده وصیت‌نامه‌ی عادی، گفته‌های وصیت‌کننده را قلب و سپس انشاء نماید، مشمول آن می‌شود. همین‌طور، رویه‌ی قضای در این خصوص ناهمگون و سرگردان به نظر می‌رسد. چنان‌که در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۶/۵/۳ استان آذربایجان غربی (شهر اشنویه)، گروهی با استناد به ماده (۵۳۴)، جعل مورد اشاره را تنها سازگار با رفتار کارمندان دولتی آن هم در حیطه‌ی وظیفه‌شان دانسته و از باب تفسیر مضیق نصوص جزایی به نفع متهم، انتساب آن را به رفتار دیگر اشخاص، ناممکن توصیف کرده‌اند. گروه دوم در مقابل، نظر به اطلاق کلام قانون‌گذار در ماده (۵۳۶)، رفتار مورد تأکیداش را مفید تحقق هر دو نوع جعل پنداشته‌اند. در نهایت، هیأت عالی با تأیید نظر دوم آن را نه تفسیر موسع، که تفسیر منطقی و رهیافتی در جهت کشف غرض مقنن تلقی کرده است (<https://davoudabadi.ir/p/3052789>). اداره کل حقوقی قوه قضاییه اما در یکی از نظریه‌ی مشورتی سال‌های قبل خود، بدون ارائه‌ی برهانی قابل قبول و تنها با بسنده کردن به ذکر این مطلب که از سیاق ماده بالا رفتاری جز جعل مادی دریافت نمی‌شود، آن را مشمول جعل مفادی ندانسته است.^۲ اکنون، ماده (۱۲۵) لایحه تعزیرات^۳ با نگرشی واقعی و رهگشا به این تشتت پایان بخشیده و با پذیرش امکان انتساب این نوع جعل به اشخاص عادی، برای آن ضمانت اجرای حبس و حسب مورد محرومیت از فعالیت شغلی یا حرفه‌ای مرتبط، با درجه شش تعیین کرده است.

در باره‌ی نقطه‌های ضعف این ماده هم می‌توان اشاراتی از این‌رو داشت: نخست؛ یکسان بودن کمیت و کیفیت ضمانت اجرای مندرج در آن نسبت به همگان، اعم از شاغلین در نهادهای موضوع ماده (۲) لایحه و اشخاص عادی. اصولی این بود که به ارتباط جعل مورد بحث با سوء استفاده‌ی گروه مورد نخست از جایگاه شغلی خویش، به‌عنوان کیفیت مشدده‌ی خاص مجازات نگریسته می‌شد. دوم؛ عدم رفع ابهام به‌جای مانده از قانون مجازات اسلامی در خصوص امکان ارتکاب این قسم جعل به واسطه‌ی ترک فعل است. زیرا برخی شیوه‌های ذکر شده در ماده (۱۱۶) مثل

^۱. از حیث تحولات قانونی، اشاره به این نکته خالی از اهمیت نیست که ماده (۱۰۴) قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) راجع به جعل معنوی تنظیم شده بود. پس از آن، ماده (۱۰۶) با ذکر این‌که: «هرکس، به یکی از طرق مذکور، در اسناد و نوشتجات غیر رسمی جعل یا تزویر کند...»، به امکان ارتکاب جعل مزبور در اسناد غیر رسمی تصریح کرده بود. این رویه در قانون مجازات اسلامی نیز دنبال شد. زیرا، در حالی که متن ماده (۲۷) به جعل معنوی اختصاص داده شده بود، ماده (۲۹) با تکرار عبارت ماده (۱۰۶)، بر ممکن بودن جعل معنوی در اسناد و نوشتجات غیر رسمی صحنه گذاشت. اما ماده‌ای با این محتوا در قانون مجازات اسلامی کنونی پیش‌بینی نشده است. با وجود این نارسایی، نمی‌توان از اطلاق ماده (۵۳۶) گذشت و امکان تحقق چنین جعلی در این گونه اسناد را منتفی دانست (شیری، ۲۰۷-۲۰۸: ۱۴۰۱).

^۲. نظریه شماره ۱۳۸۷/۳/۱۲-۷/۱۴۶۲.

^۳. مطابق این ماده: «هر شخصی به‌مناسبت یا در راستای وظایف شغلی، صنفی، حرفه‌ای یا مسؤولیتی که به وی واگذار شده است، در تحریر نوشته‌ها، قراردادهای معاملات طرفین مرتکب جعل شود، اعم از آن که مضمون یا موضوع آن را تغییر دهد یا گفته، نوشته، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کند یا امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را باطل یا چیزی که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهد، چنان‌چه مشمول ماده قبل نباشد، به حبس و حسب مورد محرومیت از فعالیت شغلی یا حرفه‌ای مربوط درجه شش محکوم می‌شود».

ساختن، الحاق نمودن، محو کردن، به کاربردن بدون مجوز مهر دیگری، شبهه‌ی برپایه‌ی فعل بودن اشکال این جرم را به ذهن متبادر ساخته است. طریق مقرون به صواب، قائل به تمیز شدن نسبت به هر وضعیت است. چندان که در نحوه‌ی شکل‌گیری جعل مادی نمی‌توان جز به رفتارهای مثبت اندیشه کرد. اما در خصوص جعل معنوی، به همان میزان رفتارهای مثبت، رفتارهای منفی هم مؤثر در فرآیند تحقق آن هستند. مورد نخست مثل موردی که متصدی آژانس مسکن به‌عمد، شرط مد نظر خریدار در مبیعنامه را به‌صورت دگرگون شده قید کند. مورد دوم، مانند وقتی که همین فاعل، از قید یکی شرط‌های مورد نظر شخص مزبور در متن تنظیمی امتناع ورزد. به این ترتیب، بایسته بود که کلام ماده (۱۲۵) لایحه در مورد صلاحیت ترک فعل در تحقق جعل همراه با صراحت باشد.

۲-۲. اشخاص حقوقی

با توجه به ماده‌های (۲۰) تا (۲۲) و (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده‌های (۷۴۷) و (۷۴۸) بخش تعزیرات این قانون مصوب ۱۳۷۵، اهلیت جنایی اشخاص حقوقی، دیگر بی‌قاعده و محدود به نقض هنجار خاصی نیست. آن‌ها می‌توانند تحت شرایطی، هر جرمی از جمله جعل و جرم‌های بعد آن را مرتکب و مستقل از اعضای انسانی خود، بار مسئولیت کیفری آن را به‌دوش کشند؛ مگر اشخاص حقوقی حقوق عمومی متکفل امور حاکمیتی، مانند دادگستری، نیروهای نظامی و انتظامی و سازمان زندان‌ها (مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی). دلیل‌های این استثنا پرشمار و تشریح آن‌ها خارج از رسالت این نوشتار است. همین بس که اشاره شود به سودمند نبودن مجازات آن‌ها، جلوگیری از ایجاد اختلال در خدمات رسانی عمومی و حفظ اقتدارشان در عرصه‌ی داخل و خارج. (غلامی، ۱۴۰۲: ۲۵-۲۴؛ صادقی، ۱۳۷۵: ۱۴۰۱-۱۲۱). به این سان، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوقی عمومی عهده‌دار امور غیر حاکمیتی، از طریق نمایندگی قانونی خود قادر به ارتکاب رکن‌های مادی و معنوی همه نوع جعل هستند. مشروط به این که نماینده‌ی مزبور مطابق ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی، این جرم را به‌مانند هر رفتار مجرمانه‌ی دیگر، به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی متبوع خود مرتکب شود. نظیر موردی که مدیر عامل شرکت تجاری در آستانه‌ی توقف و ورشکستگی، با جعل سندهای مالی تظاهرکننده‌ی مطلوبیت اوضاع، نظر مثبت طرف مقابل خود را برای انعقاد قرارداد جلب کند (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۳). اگرچه درست‌تر این بود که، به اجتماع دو شرط مورد ذکر برای تحمیل مسئولیت کیفری بر اشخاص حقوقی اشاره و از سخت‌گیری کیفری ناروا در حق‌شان پرهیز می‌شد (منصورآبادی، ۱۴۰۳: ۱۴۸-۱۳۷؛ منصور بستانی، ۱۴۰۱: ۱۲۱-۱۲۰).

باری، ماده‌ی (۱۳۹) ناظر به نقض اخلاق پژوهش از طریق اقدام به تهیه، عرضه و یا واگذاری آثار علمی از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب و گزارش به‌منظور انتفاع و به‌عنوان حرفه یا شغل با هدف ارائه از جانب دیگری به‌عنوان اثر خود است. ضمانت اجرای این رفتار برای اشخاص حقیقی از جمله مدیران شخص حقوقی، جزای نقدی درجه سه و یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش و برای شخص حقوقی، پاسخ‌های درج شده در ماده‌های (۲۰) تا (۲۲) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۷) لایحه است. وظیفه دادگاه، گزینش صحیح یک یا دو مجازات از میان مصداق‌های در نظرگرفته شده، بر مبنای شدت جرم و آسیب‌های منتج از آن است. مسئولیت کیفری اشخاص مورد اشاره البته به معنی نفی مسئولیت کیفری شخص حقیقی مقصر نیست و او هم، آماج مجازات‌های ذکر شده در بند (الف) ماده

(۱۳۹) لایحه قرار می‌گیرد. این شخص از نظر ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی، نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی است. با وجود این، بنا بر ماده (۱۷) لایحه، اعضای هیأت مدیره یا هر مقام دیگری که جعل در راستای مصوبه یا دستور آنها محقق شده نیز سرنوشت جزایی مشابه خواهند داشت. گذشته از این، همگی یک تا پنج سال یا به‌طور دائم از تأسیس، نمایندگی، تصمیم‌گیری و نظارت بر هر شخص حقوقی محروم خواهند شد.

ایرادهای لایحه نسبت به وضعیت وصف شده نیز از این قرار است: نخست؛ معلوم نیست چرا قانون‌گذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تنها در خصوص خدشه در سلامت پژوهش برجسته کرده است؛ در حالی که کلیه نمودهای مجرمانه‌ی زیر مبحث جعل طبق شرایط پیش گفته، می‌تواند منتسب به آنها شود. وجود شمار کثیری از نهادهای حقوقی متخلف در حوزه پژوهش نیز نمی‌توانست دلیلی بر این امر باشد. زیرا، در دیگر مظهرهای قانون‌شکنی نیز مثل تقلب مالیاتی، رشو و کلاهبرداری، به‌رغم پررنگ بودن نقش اشخاص حقوقی، به‌طو خاص راجع به مسئولیت آنها جهت‌گیری نشده است. از این‌رو، می‌بایست یا به نقش اشخاص حقوقی در ارتکاب هریک از این جرم‌ها اشاره و تعیین ضمانت اجرا می‌شد. دوم؛ ماده (۱۱۸) رفتارهای مجرمانه‌ی ناظر به حوزه‌ی پژوهش را متصف به صفت جعل نکرده است. اگر این امتناع، به دلیل عدم اعتقاد به جعلیت ماهیت آنها بوده است، بدیهی است که طرح آنها در اثنای بحث جعل وجهی نداشته است. در غیر این صورت، لحاظ نکردن عنوان مزبور برای این اعمال محل نقد است. در مصداق‌های مجرمانه‌ی مورد تأکید ماده‌ی مزبور ملاحظه می‌شود که از تهیه، عرضه و یا واگذاری آثار پژوهشی نام برده شده است. بدیهی است که همه‌ی این اعمال لزوماً در پیوند با جعل نیست. زیرا کافی است که شخص حقیقی یا حقوقی، بدون مجوز، آثار متعلق به دیگران از جمله رساله و پایان‌نامه را مهیا و در اختیار اشخاصی که نباید، قرار دهد. فرآیندی که نه ساختن نوشته و انتساب ناروای آن به دیگری، و نه تغییر مزورانه در اثر متعلق به غیر به حساب می‌آید. از این‌رو، اطلاق عنوان مجرمانه‌ی دیگری به آنها همچون سرقت ادبی به حقیقت نزدیک‌تر است.

سوم؛ مجازات‌های تعیین شده در این ماده، مختص شخص میادرت کننده به تهیه، عرضه و واگذاری اثر است و شخص ارائه کننده، جز در معرض سلب امتیازهای مادی و معنوی مترتب بر آن، از جمله اخذ مدرک تحصیلی یا پایه‌ی علمی، قرار نگرفته است (تبصره ۵). این تدبیر ناموجه است؛ چراکه در صورت جعل پنداشتن عمل نگارش اثر، رفتار ارائه کننده، استفاده از سند مجعول و مستحق همان میزان مجازات جاعل است. در صورت جرم خاص دانستن آن نیز، شدت شناعة عمل شخص دوم در ارائه و متعلق به خود انگاشتن کار چندان است که تعیین مجازاتی هم‌پایه‌ی شخص نخست را سزاوار است.

۳. تشتت‌زدایی از احکام ناظر به تزویر در پول و سکه

تدبیرهای کیفری کنونی ناظر به جعل در حوزه‌ی پول، سندهای تعهد آور بانکی و جرم‌های وابسته به قصد تقلب، در ماده‌ها و مصوبه‌های مختلف و تفسیر برداری بازتاب یافته‌اند. این وضع، استناد و به کارگیری آنها را در هر قضیه دشوار نموده و لایحه مورد نظر برای برون رفت از این وضعیت، به تدبیرهایی دست‌زده است.

۳-۱. تنظیم مقرره‌ی یکتا نسبت به جعل اسکناس و سندهای تعهد آور بانکی

از پرمخاطره‌ترین جعل‌های متصور که ورای آسایش عمومی می‌تواند جلوه‌ی امنیتی به‌خود گیرد، چاپ بدون مجوز و متقلبانه‌ی اسکناس‌های رایج داخلی و خارجی یا دیگر ورق‌های مالی متعلق خزانه است. در اوضاع فعلی، بند (۵) ماده‌ی (۵۲۵) و ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ به این موضوع ورود و تنظیم واکنش کرده‌اند. این پراکندگی موجبی برای مداخله‌ی لایحه‌ی مورد بحث و ایجاد نوآوری‌هایی اینچنین بوده است: نخست؛ وضع ماده (۱۲۰) و مستتر کردن کلیه‌ی احکام قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۶۸ در آن، همراه با تغییراتی. دوم؛ توصیف جزایی "مورد معامله قرار دادن اسکناس‌ها و دیگر ورق‌های بانکی مجعول". پیش از این، مصداق‌های جرم‌انگاری شده‌ی علاوه بر جعل، به "وارد کردن"، "استفاده کردن" و "مصرف کردن" محدود بود و در شمول مورد دوم نسبت به "مورد معامله قرار دادن" تردید جدی بود (منصورآبادی و فتحي، ۱۴۰۲: ۱۷۲).

سوم؛ حذف مجازات اعدام و تعیین حبس درجه یک به‌جای آن در صورت برخورداری مرتکب از قصد اخلاص در نظام پولی، بانکی، اقتصادی یا ضربه به نظام. سابق بر این، ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، به ذکر عبارت «هرکس اسکناس‌های رایج داخلی یا خارجی یا... را به قصد اخلاص در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید... چنان‌چه مفسد و محارب شناخته نشود، به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود» اکتفا، و هیچ معیاری برای تشخیص محارب یا مفسد بودن بزه کار تعیین نکرده بود. مصوبه مجمع تشخیص و دیگر مقرره‌ها هم برای رجوع، ابهام‌های خاص خود را داشتند. چهارم؛ اضافه شدن جزای نقدی معادل یک تا سه برابر عواید ناشی از جرم با توجه به جنبه‌ی مالی رفتار مرتکب به ضمانت اجرای حبس.

با این‌همه، مصلحت اندیشی لایحه در این حوزه توأم با نارسایی‌هایی چندی است: نخست؛ جمع آوری مصوبه‌های پراکنده و ادغام همگی در ماده (۱۲۰)، به‌طور کامل صورت نگرفته است. زیرا، بخش‌های اختصاص یافته‌ی قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ به این موضوع از جمله بند (الف) ماده (۱)، نسخ نشده‌اند. دوم؛ روند جرم‌انگاری رفتارهای وابسته، به موردهای خطرساز دیگری چون نگهداری، خارج کردن، حمل کردن و در اختیار دیگران قرار دادن آن‌چه که جعل شده، و نیز ساختن، نگهداری و خرید و فروش ابزارهای مختص جعل اسکناس و ارز تسری نیافته است. سوم؛ از حیث مرتبه‌ی ضمانت اجرا، بین تحقق یا عدم تحقق نیت مرتکب مبنی بر اخلاص در نظام پولی، بانکی یا اقتصادی یا آسیب به نظام تفاوتی گذاشته نشده است. در حالی انتظار می‌رفت، با در نظر گرفتن تبعات سوء فعلیت یافتن رفتار، برای حالت نخست، حبس درجه یک و برای حالت دوم، حبس درجه دو یا سه منظور می‌شد.

۳-۲. الحاق تزویر در سکه به خانواده جعل

از آن‌جا که طبق بند (الف) ماده (۲) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ (با آخرین اصلاحات تا ۱۳۹۹)، سکه‌های فلزی رایج بمانند اسکناس در زمره‌ی پول قانونی قرار دارند، اصولی است که شبیه‌سازی آن‌ها از سوی اشخاص بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی جعل تلقی و تحت این عنوان تعقیب شوند. با وجود این، معلوم نیست چرا بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، باب و نام مستقلی را برای این رویداد گشوده است. اما آنچه که اکنون اهمیت دارد، تغییر مثبت صورت

گرفته از سوي لايحه در اين خصوص است. مسكوكات طلا و نقره نيز به واسطه‌ي برخورداري از صفتِ مورد معامله شدن، بيش از مسكوكات عادي مستعد ساخت، تخديش و ديگر جلوه‌هاي تزوير هستند. با اين ديد، شبیه‌سازي اين دسته از مسكوكات، چندان كه افكار عمومي را به پنداشتن آن‌ها به جاي اصل اغوا كند، تعبيري جز جعل ندارد. اقدام سنجيده‌ي ديگر اين پيشنهاده‌ي در رفع نقص قانون فعلي، جرم‌انگاري خارج نمودن عموم سكه‌هاي قلب و سكه‌هاي مخدوش طلا و نقره است. جايزين كردن عنوان "معامله كردن" به جاي "خريد و فروش" نيز تلقي كامل تري از اين رفتار مجرمانه‌ي وابسته به ساخت سكه به دليل شمول بر همه‌ي داد و ستدهاي بازار به دست داده است. جانشين شدن واژه‌ي "شخص" به جاي "هر كس" در صدر ماده‌هاي (۱۴۰) تا (۱۴۲) پيشنهاده‌ي هم، به هدف اشاره دقيق تر به مرتكبان جرم‌هاي اين حوزه از جمله اشخاص حقوقي صورت گرفته است. در نهايت، تدارك مجازات اجتماعي درجه پنج اضافه بر حبس، تقويت دفاع اجتماعي در برابر بزه كار را نويد مي‌دهد.

از چند سو نيز مي‌توان بر ماده بالا خرده گرفت: نخست؛ عدم جرم‌انگاري نگهداري و حمل مسكوكات قلب يا مخدوش شده و نيز عدم جرم‌انگاري اسباب ويژه‌ي ساخت و تخديش اين سنج مسكوكات. دوم؛ بي اعتنايي به مرزهاي اعتباري نظير كشتي‌ها و هواپيماها و عدم جرم‌انگاري وارد كردن مسكوكات قلب يا مخدوش شده به آن‌ها در خارج از مرزهاي واقعي. سوم؛ عدم تميز بين كاركنان بانك‌ها به خصوص بانك مركزي و ساير اشخاص مرتكب قلب سكه و جرم‌هاي مرتبط از حيث تأثير بر درجه مجازات آن‌ها. چهارم؛ عدم تأثير قصد اخلاص در سيستم پولي، بانكي و اقتصادي يا ضربه به نظام در تشديد مجازات مرتكب. در مورد آخر، ناگزير بايد به بند (الف) ماده (۱) قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادي کشور متوسل شد.

نتيجه‌گيري

حسب يافته‌هاي پژوهش، مبحث نخست از فصل پنجم لايحه‌ي تعزيرات را بايد نقطه‌ي عطفي در نگرش به بزه جعل و جرم‌هاي منضم به آن دانست. چه، در بردارنده‌ي نوآفريني‌هاي درخوري است كه مي‌توانند در رفع كمبودهاي قانون مجازات اسلامي (تعزيرات) و ديگر مقرره‌هاي مربوط به اين گستره تأثيري به سزا داشته باشند. از جمله‌ي اين آورده‌ها، زير مجموعه‌ي جعل قرارگرفتن جرم‌هاي ناظر بر مسكوكات به سبب همانندي در ماهيت و اشتراك در امر تزوير است. نتيجه‌ي عملي اين قضيه، ترتيب كليهي احكام جعل بر تقلب در امر سكه است. رويكرد ديگر لايحه، تبديل ترديد‌ها به يقين در باره‌ي جعل به شمار آمدن رفتارهايي نظير ساخت اثر انگشت ديگري يا كپي گواهي شده نوشته يا سند به منظور بستن مفر بزه كاران از تعقيب و تأمين بيش از پيش آسايش عمومي است. از بغرنج ترين آسيب‌هاي موجود در سياست كيفري ناظر به بزه مورد بحث، تراكم قانون‌هاي وضع شده و آميخته با ابهام‌هايي است كه به هنگام استناد و اجرا، چالش ايجاد کرده‌اند. توجه به اين مسأله در قلمروهايي مانند اسكناس و سندهاي تعهدآور بانكي و پايان دادن به پاشيدگي احكام مربوط، وجه مثبت ديگر لايحه است. در اين پرتو، جايزگزيني ضمانت اجراي مجازات اجتماعي در برابر جزاي نقدي و حبس کوتاه مدت هم، تدبير به كارگرفته شده‌ي منطقي است كه بيش از پيش هدف‌هاي حقوق كيفري را تأمين خواهد كرد. همچنين، در پرتو اين تحول، مي‌توان به طبقه‌بندي مناسب كنشگران اين جرم و تصريح بر اهليت آن‌ها بر ارتكاب هر قسم جعل

اشاره کرد. با این‌رو، ضعف‌های اساسی‌ای به شرح نیز متوجه این لایحه است که سزا است پیش از تصویب بر طرف شوند:

۱. ماهیت بسیاری از رفتارهای گنجیده شده در مبحث جعل، متفاوت از جرم مزبور بوده و به‌جاست از آن منفک و در مبحث مجزایی سکنی‌گزينند. اگر نه همه، بلکه اغلبِ نقض‌های ضوابط پژوهشی از این دسته‌اند.
۲. عدم ارائه‌ی تعريفی از جعل و اکتفا کردن به ذکر مصداق‌های آن در ماده (۱۱۶). پیشنهاد این است که ذکر شود: «جعل عبارت است از ساختن یا تغییر دادن نوشته یا دیگر نمونه‌های ذکر شده در قانون به قصد یا با علم به اضرار به غیر».
۳. با وجود پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، مداخله‌ی اشخاص حقوقی در مبحث مورد نظر از لایحه، به‌صورت گزینشی و در خصوص نقض حریم پژوهش برجسته نشان داده شده است. در حالی که در قلمروهای مهم دیگری مانند تزویر در حوزه اسکناس و سکه هم نقشی نمایان و قابل ذکر دارند.
۴. عدم اعتنا به برخی رفتارهای متصل به جعل، از جمله حمل و نگهداری اسکناس مجعول و نیز ساخت، نگهداری و خرید و فروش ادوات مخصوص این جرم هم پذیرفته نیست و ضروت توصیف جزایی دارند.
۵. عدم تعیین ماده‌ای مستقل از افراد عادی با ضمانت اجرای سنگین‌تر راجع به ارتکاب جعل معنوی از سوی کارکنان مراجع موضوع ماده (۲) لایحه نیز مطلوب نیست و جای درنگ دارد.
۶. عدم تصریح به مرزهای اعتباری، جرم نبودن وارد کردن اشیای مجعولی چون اسکناس به کشتی‌ها و هواپیماهای ایران در خارج از قلمرو حاکمیت را باعث شده که باید تغییر موضع داد.
۷. عنوان مبحث نخست از پنجم لایحه، جعل و استفاده از مجعول است که پوشش دهنده همه‌ی رفتارهای ذکر شده در ماده‌های زیر آن از جمله تخدیش، حمل، نگهداری و معامله نیست. جایگزین بهتر، عنوان "جعل و جرم‌های وابسته" است.

فهرست منابع

۱. بارانی، محمد. (۱۴۰۳). جعل و تزویر در قانون و رویه قضایی ایران. چاپ نهم، تهران: مرکز آموزش قوه قضاییه.
۲. پاسبان، محمدرضا. (۱۴۰۲). حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ هجدهم، تهران: انتشارات سمت.
۳. پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۹۲). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
۴. حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ گل‌محمدی شورکی، علیرضا. (۱۳۹۹). جعل مفادی در نظام کیفری ایران با تأکید بر رویه قضایی، مطالعات علوم سیاسی. حقوق و فقه، ۶ (۴)، ۲۴۶-۲۲۸. [/https://civilica.com/doc/1502192](https://civilica.com/doc/1502192)
۵. حیدری، پوریا. (۱۴۰۱). نکته‌ها در حقوق جزا. چاپ دوم، تهران: نشر چتر دانش.

۶. جعفری، مجتبی. (۱۳۹۵). مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲، ۳۲-۷. https://jol.guilan.ac.ir/article_2028.html
۷. زراعت، عباس. (۱۳۹۴). شرحی بر قانون مجازات اسلامی. جلد نخست، چاپ چهارم، تهران: نشر ققنوس.
۸. زیرائی، محمدحسن؛ موسوی، سید ابراهیم؛ مرادی، سید فاطمه. (۱۴۰۲). شرح جامع حقوق قانون مجازات اسلامی. چاپ دوم، تهران: نشر کتاب آوا.
۹. ساریخانی، عادل. (۱۳۸۴). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. چاپ نخست، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۰. سالاری شهرابکی، میرزا مهدی. (۱۳۹۳). جعل و تزویر. چاپ نخست، تهران: نشر جنگل.
۱۱. ستاری، بهزاد. (۱۴۰۳). شرح جامع حقوق جزای اختصاصی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات ارشد.
۱۲. سلیمانپور، محمد. (۱۳۹۶). جعل اسناد در حقوق ایران. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. شاکری، ابوالحسن؛ رضایی سراجی، زهرا. (۱۳۹۳). تقلب در جعل اسناد. مجله تحقیقات حقوقی، ۶۵، ۱۸۶-۱۶۱. https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56151.html
۱۴. شیري، عباس. (۱۴۰۱). جعل و تزویر. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۱۵. صادقی، سالار. (۱۴۰۱). مبانی مسئولیت کیفری دولت. چاپ نخست، تهران: انتشارات مجد.
۱۶. غلامی، علی. (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی. جلد دوم، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
۱۷. فضلی، امیر. (۱۴۰۱). تحلیل جزایی عناصر سازنده جرم جعل و استفاده از سند مجعول در نظام کیفری ایران. نشریه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، ۱۲، ۳۱۴-۲۸۳. <https://civilica.com/doc/1880158>
۱۸. کامفر، بهداد. (۱۴۰۳). دوره پیشرفته حقوق جزا. چاپ نوزدهم، تهران: اندیشه نوین پژوهش.
۱۹. کوشا، ارسلان. (۱۳۸۱). مطالعه تطبیقی جرم جعل معنوی اسناد در حقوق جزای ایران و فرانسه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق.
۲۰. گرایلی، محمدباقر. (۱۳۸۹). بررسی جعل و تخریب و اخلاف رایانه‌ای. آموزه‌های حقوقی، ۱۴، ۱۸۸-۱۵۹. https://cld.razavi.ac.ir/article_872.html
۲۱. گلشنی، محمد؛ میرسعیدی سیدمنصور؛ غلامی، حسین. (۱۴۰۱). سیاست جنایی ایران در پیش‌گیری از جعل اسناد خودرو با رویکرد انتظامی. مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵ (۱۰)، ۱۳۰۰-۱۲۸۵. <https://doi.org/10.30510/psi.2022.322126.2889>
۲۲. مصلائی، علیرضا. (۱۳۸۳). جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران. چاپ نخست، تهران: انتشارات ناشر سوم.
۲۳. معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری استان تهران. (۱۴۰۳). رویه قضایی محاکم استان تهران. چاپ نخست، تهران: انتشارات دادگستری کل تهران.
۲۴. منصور بستانی، علی‌جواد. (۱۴۰۱). آثار جعل رایانه‌ای در حقوق ایران و فرانسه. نشریه حقوق و علوم جزا، ۲۴، ۱۱۲-۱۲۵. <https://joce.ir/user/articles/2859>
۲۵. منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۳). حقوق جزای عمومی ۲. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

۲۶. منصورآبادي، عباس؛ فتحي، محمدجواد. (۱۴۰۲). جعل و تزوير و جرايم وابسته. چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.

۲۷. ميرکمالی، سيد عليرضا؛ عباسزاده اميرآبادي احسان. (۱۳۹۳). تحليل جرم جعل مفادي، آموزه‌هاي حقوق کيفري. ۸، ۲۰۷-۲۴۱. https://cld.razavi.ac.ir/article_688.html

۲۸. ميرمحمدصادقي، حسين. (۱۴۰۳). جرايم عليه مصالح عمومي کشور. چاپ چهل و ششم، تهران: نشر میزان.

۲۹. همتي، مجتبي. (۱۴۰۰). قلمرو شمول و استثنائات قانون مدیریت و خدمات کشوري و قانون کار: چالش‌ها و راهکارها. پژوهش‌هاي نوين حقوق اداري، ۴ (۱۱)، ۲۷۳-۲۴۳.

<https://doi.org/10.22034/mral.2022.539410.1193>

30. <https://davoudabadi.ir/page/4361250>

31. <https://davoudabadi.ir/p/3052789>

**Reflecting on the approach of the bill to amend Chapter Five of the Islamic Penal Code (Tazirat)
regarding forgery and use of forged documents**

Abstract:

Thinking about the direction of the new penal bill about forgery and the use of forged document. The innovations of the new Islamic punishment bill regarding forgery and the use of forged documents are significant and include the identification of more examples of this crime and related behaviors, the logical classification of real and legal criminals, a more precise description of spiritual forgery, adding and damaging coins to the field of forgery. Ordering the scattered rulings regarding banknote forgery and modifying some of the performance guarantees. Despite this, the transformation that has taken place does not solve all the defects of the previous laws. Because, the criminalization of some acts against the public interest related to forgery, such as carrying and keeping fake documents and things, especially money and currency, as well as making, keeping, buying and selling tools related to this act, has been neglected. Also, the intervention of legal entities in this area has been explained only in violation of research rules and ethics. In the case of spiritual forgery by the personnel of government institutions, no different punishment has been determined. This research, whose method is descriptive-analytical and the collection tool is a library, has discussed the positive and negative aspects of this bill in a timely manner.

Key words: Penalty bill, forgery, types of forgery, classification of forgers, performance guarantee